

Material and Managerial Assets of the Islamic Government's Independence: From Self-Reliant Knowledge to Ummah Diplomacy

Hadi Shojaee 

Department of Political Science, Imam Khomeini Education and Research Institute, Qom, Iran.
shojaeehadi@yahoo.com

Abstract

In the challenging landscape of the international system—where global powers employ sophisticated tools such as multilateral sanctions, hybrid warfare, psychological operations, and hegemonic diplomacy to undermine the sovereignty of independent states—the issue of independence has emerged as a strategic challenge in Islamic political theorizing. Many Islamic governments, despite possessing substantial material resources, remain structurally dependent on the dominant global order. This predicament stems primarily from the absence of a coherent, indigenous theoretical framework for conceptualizing and achieving independence. From this perspective, examining theoretical models grounded in Islamic wisdom and the views of contemporary political philosophers can fill this gap and provide an epistemic response to this foundational issue. Employing a conceptual-descriptive analytical method, this study examines the ideas of contemporary political philosophers such as Imam Khomeini, Ayatollah Motahari, and Ayatollah Javadi Amoli. It addresses the central question: How can material and managerial assets secure the infrastructure of an Islamic government's independence in the contemporary world order? The findings reveal that material assets—as the tangible, objective foundations of the Islamic government's independence—can be identified across three key axes: (1) Self-reliant scientific authority, entailing the development of knowledge and technology based on endogenous resources and independence from scholarly currents tied to domineering powers; (2) Security-creating defensive power, emphasizing deterrent capabilities against external threats; (3) Resilient deterrent economy, functioning as a national-capacity-based economic system that withstands external pressures such as sanctions and economic warfare, thereby safeguarding the country's livelihood, production, and currency independence. In contrast, managerial assets—encompassing sage governance, participatory governance, and ummah diplomacy—activate and optimize these foundations. The study's ultimate contribution is a

Cite this article: Shojaee, H. (2025). Material and Managerial Assets of the Islamic Government's Independence: From Self-Reliant Knowledge to Ummah Diplomacy. *Political science*, 28(2), p. 61-86.
<https://doi.org/10.22081/psq.2025.71982.3004>

Received: 2024-12-28

Revised: 2025-02-17

Accepted: 2025-04-05

Published online: 2025-07-01

Type of article: Research Article

Publisher: Baqir al-Olum University

<https://pwq.bou.ac.ir/>

©2025/authors retain the copyright and full publishing rights



systematic, dialectical model that presents the interlinkage of material and managerial assets as two complementary pillars of the Islamic government's independence. This model is not only theoretically explicable but also holds significant potential for macro-level policymaking in confronting the global hegemonic system.

Keywords: Material asset, managerial asset, independence, Islamic government, contemporary political philosophy.



سرمایه‌های مادی و مدیریتی استقلال دولت اسلامی؛ از علم خودبنیاد تا دیپلماسی امتی

هادی شجاعی

گروه علوم سیاسی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، قم، ایران. shojaeehadi@yahoo.com

چکیده

در شرایط چالش برانگیز نظام بین‌الملل که قدرت‌های بزرگ جهانی با ابزارهای پیچیده‌ای همچون تحریم‌های چندجانبه، جنگ‌های ترکیبی، عملیات روانی و دیپلماسی هژمونی به تحدید حاکمیت دولت‌های مستقل می‌پردازند، مسئله استقلال به یکی از چالش‌های راهبردی در نظریه‌پردازی سیاسی اسلامی تبدیل شده است. بسیاری از دولت‌های اسلامی با وجود برخورداری از منابع مادی قابل توجه، همچنان در معرض وابستگی‌های ساختاری به نظام سلطه هستند. این امر بیش از هر چیز به نبود یک چارچوب نظری منسجم و بومی برای تبیین و تحقق استقلال بازمی‌گردد؛ از این چشم‌انداز بررسی مدل‌های نظری مبتنی بر حکمت اسلامی و آرای حکیمان سیاسی معاصر می‌تواند خلأ موجود را پر کند و پاسخی معرفتی به این مسئله بنیادین ارائه دهد. این پژوهش با روش تحلیل مفهومی - توصیفی، آرای حکیمان سیاسی معاصر همچون امام خمینی، شهید مطهری و آیت‌الله جوادی آملی را بررسی کرده، به این پرسش محوری می‌پردازد که سرمایه‌های مادی و مدیریتی چگونه می‌توانند زیرساخت‌های استقلال دولت اسلامی را در نظم جهانی معاصر تضمین کنند؟ یافته‌ها نشان می‌دهد سرمایه‌های مادی، به‌منزله زیرساخت‌های عینی و ملموس استقلال دولت اسلامی، در سه محور کلیدی قابل شناسایی‌اند: نخست، اقتدار علمی خودبنیاد که به معنای توسعه دانش و فناوری بر مبنای منابع درون‌زا و استقلال علمی از جریان‌های علمی وابسته به قدرت‌های سلطه‌گر است؛ دوم، قدرت دفاعی امنیت‌آفرین که بر توانایی‌های بازدارنده در برابر تهدیدهای بیرونی تأکید دارد؛ سوم، اقتصاد بازدارنده مقاومتی که به‌عنوان نظامی اقتصادی متکی بر توانمندی‌های ملی، در برابر فشارهای بیرونی همچون تحریم‌ها و جنگ‌های اقتصادی ایستادگی می‌کند و استقلال معیشتی، تولیدی و ارزی کشور را تضمین می‌کند. در مقابل، سرمایه‌های مدیریتی شامل حکمرانی حکیمانه، حکمرانی مشارکتی و دیپلماسی امتی، این بنیان‌ها را فعال و بهینه‌سازی می‌کنند. دستاورد نهایی پژوهش، ارائه الگویی نظام‌مند و دیالکتیک است که هم‌پیوندی سرمایه‌های مادی و مدیریتی را به‌مثابه دور رکن مکمل استقلال دولت اسلامی معرفی می‌کند؛ الگویی که نه تنها در سطح نظری قابل تبیین است، بلکه ظرفیت بالایی برای سیاست‌گذاری‌های کلان در مواجهه با نظام سلطه جهانی دارد.

کلیدواژه‌ها: سرمایه مادی، سرمایه مدیریتی، استقلال، دولت اسلامی، حکمت سیاسی معاصر.

استاد به این مقاله: شجاعی، هادی (۱۴۰۴). سرمایه‌های مادی و مدیریتی استقلال دولت اسلامی؛ از علم خودبنیاد تا دیپلماسی امتی. علوم سیاسی، ۲۸(۲).

ص ۶۱-۸۶. <https://doi.org/10.22081/psq.2025.71982.3004>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۰۸؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۲/۱۱/۲۹؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۱/۱۶؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۴/۱۰

ناشر: دانشگاه باقرالعلوم (ع)

نوع مقاله: پژوهشی

© نویسنده‌گان.



۱. مقدمه

نظم جهانی مدرن که پس از صلح وستفالی شکل گرفت، در عمل به ابزاری برای تداوم سلطه قدرت‌های بزرگ تبدیل شده است. این تناقض بنیادین میان شعار حاکمیت ملی و واقعیت وابستگی، چالشی ساختاری در نظام بین‌الملل ایجاد کرده است. در عصر حاضر، استقلال، مفهومی چندبعدی یافته و افزون بر حاکمیت سیاسی، ابعاد اقتصادی، فرهنگی، فناورانه و امنیتی را نیز در بر می‌گیرد. تحریم‌های هوشمند، جنگ‌های ترکیبی و دیگر ابزارهای نوین سلطه، مرزهای سنتی حاکمیت را به چالش کشیده‌اند و نشان داده‌اند که استقلال در قرن بیست و یکم نه یک وضعیت ثابت، بلکه فرایندی پویا و نیازمند بازتعریف مستمر است. در منظومه فکری اسلام، همواره بر استقلال به عنوان سنگ بنای حاکمیت مشروع تأکید شده است. این نگاه، استقلال را فراتر از نفی سلطه خارجی، به عنوان توانایی نظام اسلامی در تعیین سرنوشت خود بر اساس ارزش‌های اسلامی تعریف می‌کند. متفکران مسلمان همواره تأکید کرده‌اند که وابستگی به قدرت‌های خارجی نه تنها استقلال سیاسی را تهدید می‌کند، بلکه بر هویت اسلامی جامعه نیز تأثیر می‌گذارد. با توجه به این زمینه، ضرورت بحث حاضر در چند محور قابل درک است. بحران‌های معاصر نشان داده‌اند که رویکردهای تک‌بعدی به استقلال، اعم از تأکید صرف بر جنبه‌های مادی یا مدیریتی، در مواجهه با ابزارهای نوین سلطه ناکارآمد بوده‌اند. از سوی دیگر میراث غنی اندیشه سیاسی اسلام با ارائه نگاهی جامع به استقلال، چارچوب نظری ارزشمندی ارائه می‌دهد که هم به بنیان‌های مادی و هم به سازوکارهای حکمرانی کارآمد توجه دارد. افزون بر این دولت اسلامی در شرایط کنونی بیش از هر زمان دیگری نیازمند الگویی عملیاتی است که از سویی توان مقاومت در برابر تهدیدهای جهانی را داشته باشد و از سوی دیگر قابلیت تبدیل به برنامه‌های اجرایی را دارا باشد. این مقاله با تمرکز بر سرمایه‌های مادی و مدیریتی، در پی ارائه چنین چارچوبی برای تحقق استقلال واقعی در عصر حاضر است.

۲. پیشینه پژوهش

مطالعات متعددی در حوزه استقلال دولت اسلامی انجام شده است که بیشتر در چهار حوزه قابل دسته‌بندی هستند. نخست، آثاری با رویکرد نظریه‌پردازی اسلامی-ایرانی، مانند کتاب فرهنگ استقلال از جواد منصوری که به تحلیل مفهومی استقلال در ادبیات انقلاب اسلامی پرداخته است. دوم، پژوهش‌های تحلیلی-تاریخی همچون کتاب استقلال ایران در سایه انقلاب اسلامی از جمالی و مرتضوی که نقش انقلاب را در تحقق استقلال سیاسی و اقتصادی بررسی کرده‌اند. سوم، مطالعات فقهی-سیاسی مانند کتاب اندیشه سیاسی امام خمینی اثر یحیی فوزی که مبانی نظری حکومت اسلامی را تحلیل کرده است. چهارم، آثار فلسفی-انتقادی مانند کتاب ناسیونالیسم، حاکمیت ملی و استقلال از داوری اردکانی که نقدی فلسفی بر مفاهیم مدرن ارائه داده است. با وجود ارزشمندی این آثار،

کاستی‌های مهمی در آنها مشاهده می‌شود. عمده این مطالعات فاقد نگاه حکمی و فلسفی به مسئله استقلال هستند و بیشتر به توصیف تاریخی یا تحلیل فقهی - سیاسی بسنده کرده‌اند؛ همچنین رویکرد جزءنگرانه و عدم جامعیت در بررسی ابعاد مختلف استقلال، از دیگر نقاط ضعف این پژوهش‌ها به شمار می‌رود. حتی آثاری که رویکرد فلسفی داشته‌اند، مانند کار داوری اردکانی، بیشتر بر جنبه‌های خاصی مانند ناسیونالیسم تمرکز کرده‌اند و استقلال را به صورت نظام‌مند در چارچوب حکمت اسلامی بررسی نکرده‌اند. این پژوهش با درک این خلأها، به بررسی دیدگاه برخی از حکیمان سیاسی معاصر از جمله امام خمینی (ره)، آیت‌الله خامنه‌ای، آیت‌الله مصباح یزدی و دیگران می‌پردازد. هدف اصلی، ارائه تحلیلی جامع و نظام‌مند از سرمایه‌های مادی و مدیریتی استقلال دولت اسلامی است که هم از عمق فلسفی برخوردار باشد و هم قابلیت تحقق عینی داشته باشد. این رویکرد با تلفیق دیدگاه‌های مختلف در قالب یک دستگاه فکری منسجم، می‌کوشد گامی فراتر از پژوهش‌های پیشین بردارد. شاید بتوان مهم‌ترین نوآوری این پژوهش را در تمرکز بر روش حکمی در تحلیل محتوا دانست. حکمت سیاسی به دانش و دانایی سیاسی درست، مستحکم و متقنی گفته می‌شود که به عمل درست و پسندیده در حوزه سیاست منجر شود؛ بر این اساس حکمت سیاسی در جنبه نظری، از جهل سیاسی جلوگیری می‌کند و در جنبه عملی، انسان را از اقدام و رفتار نادرست سیاسی باز می‌دارد؛ افزون بر این معنای مستحکم‌بودن نیز در حکمت سیاسی دیده می‌شود که تأکیدی بر دوری آن از خطاست (خسروپناه، ۱۳۸۸، صص. ۱۸-۲۰). این پژوهش با بهره‌گیری از روش مفهوم‌پردازی توصیفی، به بررسی نظام‌مند دیدگاه‌های حکیمان سیاسی معاصر درباره «سرمایه‌های مادی» و «ظرفیت‌های مدیریتی» در تحقق استقلال دولت اسلامی می‌پردازد. ابتدا مفاهیم محوری، شامل سرمایه‌های مادی و ظرفیت‌های مدیریتی، از منابع دست اول مانند آثار مکتوب و سخنرانی‌های امام خمینی (ره)، شهید مطهری و آیت‌الله جوادی آملی استخراج می‌شود. در این فرایند، اصل اصالت متن رعایت شده و مفاهیم صرفاً از دل متون اسلامی و اندیشه سیاسی این حکیمان استنباط شده است. سپس این مؤلفه‌ها به صورت توصیفی و با استناد به عبارت‌های اصلی اندیشمندان، تحلیل و تبیین شده‌اند. ویژگی برجسته این پژوهش، التزام به روش «تبیین درون‌گفتمانی» است که از هرگونه مدل‌سازی پیچیده، تفسیرهای شخصی، یا مقایسه با آرای غربی اجتناب می‌کند. این رویکرد امکان ارائه تصویری اصیل و نظام‌یافته از ارتباط سرمایه‌های مادی و مدیریتی با استقلال دولت اسلامی را در سنت حکمت سیاسی معاصر فراهم کرده است. نتایج پژوهش نیز صرفاً بر اساس مفاهیم صریح استخراج‌شده از متون، استنتاج شده و از برداشت‌های تحلیلی فراتر از دلالت‌های منابع خودداری شده است.

۳. استقلال در اصطلاح فلسفه سیاسی

واژه «استقلال» از ریشه «قلل» در زبان عربی گرفته شده که بر اندک بودن و کم‌شمردن چیزی دلالت دارد.

مصدر «قِلَّة» به طور خاص به مفهوم کم‌شمردن و ناچیز انگاشتن چیزی اشاره می‌کند؛ بر این اساس در تحلیل معناشناختی این واژه می‌توان دریافت که «استقلال» هنگامی تحقق می‌یابد که فرد، انجام‌دادن کاری را کوچک و ساده بیندارد و به همین دلیل، توانایی انجام‌دادن آن را بدون نیاز به دیگران در خود ببیند؛ به عبارت دیگر درک فرد از ساده‌بودن یک مسئله، زمینه‌ساز احساس توانمندی و در نتیجه استقلال عمل می‌شود (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج. ۱۱، صص. ۵۶۳-۵۶۶). نکته قابل تأمل دیگر، بررسی ساختار صرفی این واژه است. «استقلال» از باب «استفعال» است و معمولاً برای بیان درخواست، طلب یا تکلف به کار می‌رود. اما در مورد «استقلال»، این ساختار، معنایی متفاوت دارد و به جای درخواست کمک از دیگران، دقیقاً برعکس، بر نیازنداشتن به غیر و خودکفایی دلالت می‌کند. این استثنا در کاربرد باب استفعال، نشان ظرافت و تطور معنایی این واژه در زبان عربی است. همان‌طور که طریحی در مجمع‌البحرین اشاره کرده، استقلال به‌رغم ساختارش، حامل معنای بی‌نیازی و عدم وابستگی است (طریحی، ۱۳۷۵، ج. ۵، ص. ۴۵۵). در اندیشه حکیمان سیاسی معاصر، استقلال به دورویکرد اصلی ایجابی و سلبی تعریف می‌شود. در نگاه ایجابی، استقلال بخشی از مفهوم آزادی است. امام خمینی آن را رهایی از استعمار نو و کهنه می‌داند (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج. ۳، ص. ۴۴۳) و آیت‌الله خامنه‌ای از آن به معنای «آزادی از اراده بیگانگان و اختیار ملت در تعیین سرنوشت خود» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۳/۰۴/۱۶) یاد می‌کند. آیت‌الله جوادی آملی نیز استقلال را وضعیتی می‌داند که جامعه در تصمیم‌گیری‌های خود به اذن دیگری نیاز نداشته و کاملاً مستقل باشد (جوادی آملی، ۱۳۷۸، ج. ۱، ص. ۱۸۱). رویکرد سلبی در استقلال بر نفی وابستگی به بیگانگان تأکید دارد. امام خمینی (ره) استقلال را «عدم نیاز به بیگانگان» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج. ۱۳، ص. ۳۹۶) معرفی کرده است. آیت‌الله خامنه‌ای نیز آن را «عدم پذیرش سلطه» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۳/۰۴/۱۶)، «عدم نفوذ و دخالت بیگانگان در مقدرات جامعه» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۰۷/۱۴) و «سرسپرده‌نبودن به قدرت‌های خارجی» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۱/۰۷/۱۸) تعریف کرده است. تأکید این رویکرد بر قطع وابستگی‌های سیاسی و اقتصادی است. وجه مشترک این تعاریف در تأکید بر خوداتکایی و خودبنیادی ملت‌هاست. چه در تعاریف ایجابی که بر آزادی و اختیار ملت‌ها تأکید دارند و چه در تعاریف سلبی که بر نفی وابستگی‌ها تکیه می‌کنند، محور اصلی استقلال، توانایی ملت در تعیین سرنوشت خود بدون دخالت عوامل خارجی است. این نگاه، استقلال را از یک مفهوم صرفاً سیاسی به پایه‌ای اساسی برای پیشرفت و تمدن‌سازی تبدیل کرده است. خلاصه اینکه استقلال در حکمت سیاسی معاصر، عبارت از «آزادی یک ملت از سلطه بیگانگان و اتکا به توانمندی‌های داخلی در همه ابعاد حیات اجتماعی و سیاسی» است. این تعریف جامع، هم جنبه‌های ایجابی (توانمندی داخلی) و هم سلبی (رهایی از سلطه) را پوشش داده و چارچوب مناسبی برای تحلیل مفهوم استقلال در گفتمان انقلاب اسلامی ارائه می‌کند.

۴. رویکرد حکمی به استقلال دولت اسلامی به مثابه یک پروژه تمدنی

حکیمان سیاسی معاصر با عبور از قرائت‌های تقلیل‌گرا، استقلال را نه صرفاً یک واکنش سیاسی به سلطه بیگانه، بلکه پروژه‌ای تمدنی و مبتنی بر حکمت اسلامی دانسته‌اند. استقلال دولت اسلامی به مثابه یک پروژه تمدنی، نیازمند بازتعریف هویتی مبتنی بر حکمت سیاسی اسلامی است؛ از همین رو ایشان با اتخاذ رویکردی نظام‌ساز و تمدنی، نظریه‌پردازی درباره استقلال را در چهار لایه متمایز سامان داده‌اند:

۴-۱. رویکرد پیش‌انفعالی و هویت‌بنیاد

در نخستین لایه، متفکران مسلمان با عبور از پارادایم انفعال‌گرای رایج در جوامع در حال توسعه، به بازسازی مفهوم استقلال بر پایه هویت دینی و تمدنی تأکید کرده‌اند. آنچه در این رویکرد قابل توجه است، تقدم عنصر «بازتعریف» به جای «مقاومت صرف» است. از این منظر، استقلال یک واکنش به سلطه بیرونی نیست؛ بلکه حرکتی اصیل از درون هویت ایمانی و تاریخی امت اسلامی برای بازیابی خویشتن خویش است. در این چارچوب، دین‌مداری نه به عنوان یک مؤلفه فرهنگی، بلکه به مثابه هستی‌شناسی بنیادین و زیرساخت تحرک سیاسی و تمدنی تلقی می‌شود (مصباح یزدی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۲۹۴). آیت‌الله جوادی آملی با تأکید بر «توحید در ربوبیت»، بازگشت به مرجعیت الهی را پیش‌فرض هرگونه استقلال واقعی می‌داند؛ زیرا تنها در سایه بازگشت به رهبری الهی، انسان مسلمان می‌تواند از وابستگی‌های فکری و ساختاری رهایی یابد (جوادی آملی، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۵۶۸). در واقع تأکید بر رهبری دینی به عنوان محور هویت، استقلال را به قلمرو ماورای سیاست و اقتصاد می‌برد و در افق امت‌سازی معنا می‌کند؛ به بیان دیگر این لایه، استقلال را بازتولید هویت تاریخی - تمدنی در چارچوب حکمت اسلامی می‌داند و آن را به یک نهضت معرفتی و فرهنگی تبدیل می‌کند، نه صرفاً یک مقاومت سیاسی.

۴-۲. بنیان‌های حکمی و عقلانی

در لایه دوم، حکیمان مسلمان با بهره‌گیری از سنت حکمت اسلامی، استقلال را به سطحی وجودشناختی و هستی‌شناسانه ارتقا داده‌اند. این رویکرد در آثار غالب حکیمان سیاسی برجسته است. آنان استقلال را نه در قالب تصمیم‌های تاکتیکی یا روابط بین‌الملل، بلکه در متن هستی‌شناسی اسلامی و در پیوند با مفاهیمی چون جهاد اکبر، توحید در حاکمیت و اصالت اراده انسان مؤمن تحلیل کرده‌اند؛ برای مثال شهید مطهری استقلال را در پرتو «حرکت جوهری انسان» تبیین می‌کند؛ یعنی انسان با فعلیت‌بخشی به قوای فطری و عقلی خود، می‌تواند به مرتبه‌ای از خودبستگی وجودی برسد که در آن وابستگی به غیر معنا ندارد (مطهری، ۱۳۷۲، ج ۲، صص ۲۶-۲۸). این خودبستگی در عقلانیت دینی ریشه دارد؛ جایی که عقل نه ابزار سازش، بلکه قدرت تمییز مسیر رشد در برابر اغواگری قدرت‌های طاغوتی است. از

سوی دیگر آیت‌الله مصباح یزدی با تبیین «مراتب وجودی استقلال» به خوانش خاصی از استقلال می‌رسد که آن را دارای ابعاد معرفتی، اخلاقی و سیاسی می‌داند و در واقع هرگونه وابستگی فکری یا فرهنگی را نوعی شرک خفی در نظام اندیشه دینی ارزیابی می‌کند (مصباح یزدی، ۱۳۸۸، ص. ۲۱۸). در نتیجه این نگاه، استقلال را بر بستر عقل فعال، حکمت نظری و سلوک عملی تعریف می‌کند و با ارائه یک منظومه وجودشناسانه، آن را به سطح بالای یک نظریه تمدنی ارتقا می‌دهد.

۳-۴. جامع‌نگری راهبردی

ویژگی سوم نظریه استقلال نزد حکیمان مسلمان، چندبعدی‌نگری و نگاه سیستمی به فرایند تحقق استقلال در مقیاس تمدنی است. در این رویکرد، استقلال صرفاً یک پدیده سیاسی یا اقتصادی نیست؛ بلکه پروژه‌ای ترکیبی و شبکه‌ای است که باید در سطوح گوناگون از فرد گرفته تا ساختار دولت و حتی روابط بین‌الملل محقق گردد؛ برای مثال اقتدار علمی در منظومه آیت‌الله جوادی آملی بخشی از تحقق استقلال تلقی می‌شود؛ زیرا بدون دسترسی به مرجعیت علمی، جامعه اسلامی در حوزه تصمیم‌سازی و فناوری وابسته می‌ماند (جوادی آملی، ۱۳۸۵، ج. ۲، صص. ۸۰-۸۱)؛ همچنین عنصر «تعلیم و تربیت» نه به عنوان یک فعالیت فرهنگی حاشیه‌ای، بلکه به عنوان زیرساخت اصلی استقلال فکری و اخلاقی امت معرفی می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۸۷، ص. ۱۶۴). این دیدگاه ما را به نظریه‌ای نزدیک می‌کند که شباهت‌هایی بنیادین با نظریه سیستم‌های پیچیده دارد؛ به عبارت دیگر این متفکران به این نکته وقوف یافته‌اند که استقلال، حاصل هم‌افزایی میان خودباوری فردی، انسجام اجتماعی و حاکمیت کارآمد اسلامی است؛ نه صرفاً نتیجه مهار منابع مادی؛ به همین دلیل استقلال از منظر آنان به صورت یک «برایند تمدنی» تحلیل می‌شود، نه یک پدیده خطی و ساده.

۴-۴. استدلال‌گرایی روشن‌مند

چهارمین لایه نظریه‌پردازی استقلال در اندیشه حکیمان سیاسی مسلمان، روش‌شناسی استدلالی و نظام‌مند آن است. این رویکرد با تکیه بر اصول منطق دینی و عقل فلسفی، تلاش کرده است رابطه علی-معلولی میان عوامل تحقق استقلال را شناسایی، تبیین و مدل‌سازی کند. بر خلاف دیدگاه‌های صرفاً شعاری یا احساسی، در اینجا استقلال به مثابه یک مدل تحلیلی و قابل پیاده‌سازی مورد بحث قرار می‌گیرد؛ برای مثال بر اساس دیدگاه شهید صدر، استقلال واقعی دولت اسلامی بر اساس آیه «إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً»، تنها در پرتو تحقق امت واحده ممکن می‌شود که قرآن آن را در مقابل الگوی فرعونی «جَعَلَ أَهْلَهَا شِيَعًا» قرار می‌دهد. وی با روشی حکیمانه اثبات می‌کند که وحدت امت-مبتنی بر عدالت و مشارکت مردمی- شرط عینی مقاومت در برابر استکبار است؛ درحالی‌که تفرقه‌اندازی فرعونی موجب استضعاف و وابستگی می‌گردد (شهید صدر، ۱۳۶۳، صص. ۲۳۴-۲۳۵). این تحلیل نشان می‌دهد

استقلال سیاسی نه یک شعار؛ بلکه نتیجه ضروری نظام توحیدی است که صفوف جامعه را حول محور عبودیت خداوند متحد می‌سازد. در این چارچوب، مشارکت مردمی، عدالت اجتماعی و پایداری نظام اسلامی به صورت متغیرهای علی در تحقق استقلال مورد تحلیل قرار می‌گیرند، نه فقط به عنوان ارزش‌های اخلاقی. در نتیجه این رویکرد استقلال را در قالب مدل‌های علت و معلولی با قابلیت تحلیل نظری و تطبیق تجربی صورت‌بندی می‌کند و از این طریق آن را به یک دانش سیاسی - تمدنی تبدیل می‌سازد. این چهار ساحت نظری اجازه می‌دهد تا نظریه استقلال را نه صرفاً در قالب واکنش به استعمار، بلکه در چارچوب یک پروژه تمدنی برای احیای هویت اسلامی، عقلانیت دینی، حکمرانی متعالی و مشارکت فعال اجتماعی بازتعریف کرد. به لحاظ نظری، حکیمان مسلمان با عبور از قرائت‌های تک‌بعدی و تقلیل‌گرایانه، استقلال را در چهارچوبی نظام‌مند و چندساحتی تحلیل کرده‌اند که در آن، سرمایه‌های مادی و مدیریتی راهبردی حکیمانه به عنوان دو رکن جدایی‌ناپذیر استقلال‌آفرین ظهور می‌کنند. این دوگانگی راهبردی، برآمده از نگاهی عمیق به مبانی حکمت سیاسی اسلام است که از سویی بر خوداتکایی عینی (تکوین) و از سوی دیگر بر حاکمیت عقلانیت دینی (تشریح) تأکید دارد. این متفکران با الهام از قرآن و سنت، استقلال را فرایندی پویا می‌دانند که غفلت از هر یک از این دو سرمایه، آن را ناتمام می‌گذارد. از این منظر منابع مادی بدون مدیریت برخاسته از عقلانیت و عدالت اسلامی، به ابزاری برای وابستگی‌های جدید تبدیل می‌شود؛ چنان‌که مدیریت بدون پشتوانه عینی نیز در برابر تهدیدهای نظام سلطه تاب نمی‌آورد؛ بنابراین تبیین نظری این رابطه دیالکتیک، نه تنها زمینه‌ساز فهم دقیق‌تر از استقلال در گفتمان اسلامی است، بلکه مسیر تحقق آن را در عرصه‌های علمی، اقتصادی و سیاسی ترسیم می‌کند. در ادامه برخی از مهم‌ترین سرمایه‌های مادی و مدیریتی دولت اسلامی در مسیر استقلال از منظر حکیمان سیاسی معاصر بررسی می‌شوند:

۵. سرمایه‌های مادی استقلال دولت اسلامی

سرمایه‌های مادی به مجموعه امکانات، ظرفیت‌ها و زیرساخت‌های عینی و ملموس یک نظام سیاسی اطلاق می‌شود که به عنوان پایه‌های اساسی اقتدار ملی، زمینه‌ساز استقلال، امنیت و توانمندسازی جامعه در برابر تهدیدات داخلی و خارجی هستند. این سرمایه‌ها نه تنها شالوده حاکمیت مستقل یک کشور را تشکیل می‌دهند، بلکه ابزاری ضروری برای مقابله با فشارها و تحریم‌های نظام سلطه به شمار می‌روند. در شرایطی که دشمنان با بهره‌گیری از تمامی ابزارهای ممکن در پی تضعیف اراده ملت‌ها و وابسته‌ساختن آنها هستند، تقویت سرمایه‌های مادی به‌ویژه در حوزه‌های راهبردی، امری حیاتی و غیرقابل چشم‌پوشی است؛ بر این اساس تبیین ابعاد مختلف سرمایه‌های مادی و تحلیل جایگاه آنها در تحقق استقلال همه‌جانبه، گامی ضروری برای ترسیم الگوی پیشرفت مبتنی بر خوداتکایی است. در ادامه تحلیل سه

محور اساسی از سرمایه‌های مادی را بررسی می‌کنیم که هر یک به‌نوعی سپر دفاعی دولت اسلامی در برابر تهاجم‌های فکری، امنیتی و اقتصادی به شمار می‌رود و ضامن پویایی و ثبات نظام در عرصه بین‌المللی هستند:

۱-۵. علم خودبنیاد

در جهان امروز، علم و فناوری، مهم‌ترین ابزارهای اقتدار ملی شناخته می‌شوند. حکیمان سیاسی مسلمان بر این باورند که دستیابی به علم خودبنیاد تنها راه رهایی از وابستگی به نظام‌های سلطه و تحقق عزت اسلامی است. این اندیشمندان بر پیوند پیشرفت علمی با اقتصاد مقاومتی و سیاست خارجی مستقل تأکید می‌کنند و حرکت به سمت تولید دانش بومی را ضروری می‌دانند. مرجعیت علمی تنها با استقلال فکری و خلاقیت محوری ممکن است و تحقق آن افزون بر برآوردن نیازهای مادی جامعه، زمینه‌ساز تمدن‌سازی نوین اسلامی خواهد بود. این جستار، راهبردهای تحقق استقلال دولت اسلامی مبتنی بر علم خودبنیاد را واکاوی می‌کند.

۱-۱-۵. علم و فناوری؛ محور استقلال اقتصادی و سیاسی

در اندیشه حکیمان سیاسی مسلمان، پیشرفت علمی و فناوری زیربنای اقتدار اقتصادی و سیاسی یک ملت است. قدرتهای جهانی با تکیه بر برتری علمی، قوانین بین‌المللی را تحمیل کرده و رفتارهای یک‌جانبه را اجرایی می‌کنند که این نشان‌دهنده اهمیت دستیابی به دانش و فناوری پیشرفته برای خودکفایی اقتصادی و تأثیرگذاری سیاسی است (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۴/۱۰/۲۹). فیلسوفان مسلمان اقتدار علمی را زیربنای استقلال ملی می‌دانند و معتقدند بدون پیشرفت علمی، وابستگی به دیگران استقلال جامعه را تهدید می‌کند. آنها تأکید دارند که دانش در بخش‌هایی چون صنعت، کشاورزی و پزشکی پیش شرط رفع نیازها بدون اتکا به خارج است؛ بنابراین توسعه علمی شرط ضروری حفظ حاکمیت ملی در برابر فشارهای خارجی است (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۶/۰۲/۲۵؛ مصباح یزدی، ۱۳۸۸/الف، ج. ۳، ص. ۱۹۴).

۲-۱-۵. گفتمان‌سازی علمی انقلابی: از خودباختگی تا خودباوری تمدنی

علامه طباطبایی با نگاهی نقادانه به شیوه‌های استعماری غرب اشاره می‌کند که چگونه سلطه‌گران با ابزار تبلیغات، جوامع شرقی را به خودباختگی علمی دچار کردند. وی نشان می‌دهد که در طول چند سده گذشته، القای برتری مطلق غرب در علم و اندیشه، ملت‌ها را از اعتماد به نفس فکری محروم ساخته، آنها را به دنباله‌روی محض تبدیل کرد. علامه راه نجات را احیای استقلال فکری معرفی می‌کند؛ یعنی باور به اینکه می‌توان بدون وابستگی به الگوهای غربی، به پیشرفت علمی دست یافت. وقتی یک ملت به جای تقلید کورکورانه، به خردورزی و نوآوری روی آورد، نه تنها از سلطه فرهنگی و علمی بیگانگان رها

می‌شود، بلکه می‌تواند تمدنی مبتنی بر ارزش‌های خود بسازد؛ بنابراین اقتدار علمی واقعی زمانی حاصل می‌شود که جامعه به توانمندی‌های ذهنی و فرهنگی خویش اعتماد کند و علم را نه به عنوان کالایی وارداتی، بلکه به مثابه ثمره تلاش مستقل و خلاقانه ملی بپذیرد (علامه طباطبایی، ۱۳۸۸، ج ۱، صص. ۱۲۱-۱۲۲).

۳-۱-۵. مرجعیت علمی و تمدن‌سازی اسلامی: گامی فراتر از خودکفایی

حکیمان مسلمان با نگاهی راهبردی به مسئله اقتدار علمی، آن را نه صرفاً در حد خودکفایی، بلکه در سطحی فراتر و متعالی‌تر تعریف می‌کنند؛ از این منظر مرز واقعی پیشرفت علمی جایی است که کشور نه تنها نیازهای داخلی خود را مرتفع می‌سازد، بلکه به قطب علمی تبدیل می‌شود که دیگر ملت‌ها برای حل مشکلات و پیشرفت خود به آن محتاج شوند. این سطح از برتری علمی که در آثار اندیشمندان اسلامی به عنوان مرجعیت علمی یاد شده، ضامن استقلال کامل و تأثیرگذاری بین‌المللی است؛ به بیان دیگر وقتی کشوری به چنین جایگاهی دست یابد، نه تنها وابستگی علمی ندارد، بلکه می‌تواند چونان بازیگری تأثیرگذار در معادلات جهانی ظاهر شود و الگوی پیشرفت را تعیین کند (مصباح یزدی، ۱۳۸۸، ص. ۲۴۸). تمدن‌سازی نوین اسلامی درگرو ایجاد مسیرهای بدیع علمی و فناورانه است. آنچه امروز ملت‌ها را از وابستگی نجات می‌دهد، نه تقلید از الگوهای موجود، بلکه خلق پارادایم‌های جدید دانشی است که هم‌زمان هم اقتدار مادی می‌آفریند و هم ارزش‌های معنوی را نهادینه می‌کنند. وقتی یک ملت به جای مصرف‌کنندگی علمی، به تولیدکننده نظریه‌ها و فناوری‌های پیشرفته تبدیل شود، نه تنها زنجیرهای وابستگی فناورانه را می‌گسلد، بلکه می‌تواند معیارهای جدیدی در عرصه بین‌المللی تعریف کند. این همان راهبردی است که با تلفیق دانش روز و حکمت دینی، هم استقلال عملی می‌سازد و هم الگویی الهی از پیشرفت را به جهان عرضه می‌دارد (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۹/۰۷/۱۴). با توجه به آنچه گفته شد، سرمایه‌گذاری در علم و فناوری یکی از مهم‌ترین راهبردهای تضمین استقلال واقعی کشور و حضور مؤثر در صحنه بین‌المللی است. اقتدار علمی نه تنها خودکفایی را به ارمغان می‌آورد، بلکه زمینه‌ساز شکل‌گیری تمدنی مستقل و پیشرو است که می‌تواند الهام‌بخش دیگر جوامع باشد. این مسیر همان‌گونه که اندیشمندان مسلمان تأکید کرده‌اند، نیازمند اعتماد به نفس فکری، نوآوری مستقل و خلق پارادایم‌های جدید دانشی است تا جامعه اسلامی نه مصرف‌کننده که تولیدکننده و صادرکننده علم و فناوری باشد.

۲-۵. قدرت دفاعی امنیت‌آفرین

در اندیشه سیاسی اسلام، قدرت دفاعی جایگاهی فراتر از ابزار نظامی صرف دارد. آن را باید تجلی عینی اراده ملی و سپری استوار برای صیانت از هویت تمدنی دانست. حکیمان مسلمان از امام خمینی (ره) تا

علامه طباطبایی و آیت الله خامنه‌ای، قدرت نظامی را در چارچوبی حکمت‌آمیز، مردمی و مبتنی بر خوداتکایی تعریف می‌کنند که غایت آن نه جنگ‌طلبی، بلکه تحقق امنیت پایدار و ضمانت استقلال حقیقی است. این نوشتار نشان می‌دهد که اقتدار نظامی زمانی ارزشمند است که در خدمت آرمان‌های الهی و مصالح امت اسلامی باشد، نه وابسته به قدرت‌های استکباری.

۱-۲-۵. قدرت دفاعی؛ از بازدارندگی تا تمدن‌سازی

حکیمان مسلمان، نیروهای مسلح را ستون فقرات حاکمیت مستقل می‌دانند. از دیدگاه ایشان، ارزش واقعی نیروهای مسلح در گرو نقش‌آفرینی آنها در تحقق و صیانت از استقلال کشور است. امام خمینی (ره) در تحلیل جایگاه اقتدار نظامی در تضمین استقلال کشور، بر این اصل حکیمانه تأکید می‌ورزد که نیروی نظامی، زمانی مشروعیت دارد که در خدمت آرمان‌های مستقل ملی باشد، نه وابستگی به قدرت‌های خارجی (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج. ۱۲، ص. ۴۴۳)؛ از این منظر اقتدار نظامی نه صرفاً به عنوان ابزار دفاعی، بلکه به عنوان یکی از ارکان بنیادین هویت مستقل یک ملت شناخته می‌شود. این نگاه متعالی، قدرت نظامی را تجلی اراده ملی و نماد حاکمیت مستقل یک تمدن می‌داند که ضامن حفظ کرامت انسانی و اسلامی است و امکان تصمیم‌گیری مستقل در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی را فراهم می‌آورد. به باور امام خمینی (ره) بدون برخورداری از قدرت بازدارنده، هیچ ملتی نمی‌تواند ادعای استقلال واقعی داشته باشد (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج. ۹، ص. ۲۵؛ ج. ۱۰، ص. ۳۲۵).

۲-۲-۵. شرطیت استقلال‌آفرینی در مشروعیت قدرت دفاعی

از منظر علامه طباطبایی، اثرگذاری قدرت نظامی در تحقق استقلال حقیقی جامعه، مشروط به تحقق شروطی بنیادین است که غفلت از آنها به انحراف این قدرت می‌انجامد. وی با استناد به آیه «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ» (انفال، ۶۰)، نشان می‌دهد که قدرت نظامی در نظام فکری اسلام، ماهیتی ابزاری دارد و نه غایی و ارزش ذاتی آن منوط به انطباق با اصولی است که در حکمت اسلامی ریشه دارد. شرط نخست، «خرد جمعی» است که با جلوگیری از استبداد رأی و هوس‌های فردی از طریق شورا و مشورت، قدرت نظامی را در مسیر مصالح عمومی هدایت می‌کند. شرط دوم، «خدمت به امنیت عمومی» است؛ نه امنیت گروهی خاص یا منافع یک‌جانبه؛ به گونه‌ای که این قدرت در خدمت دفاع از عدالت و حقوق جامعه باشد. سومین شرط، «خوداتکایی» است که علامه آن را شرط بقای استقلال می‌داند. وی هشدار می‌دهد وابستگی نظامی به بیگانه، حتی اگر در کوتاه‌مدت سودمند باشد، در نهایت به تضعیف استقلال می‌انجامد؛ بنابراین قدرت نظامی باید مبتنی بر توان داخلی شکل گیرد؛ به باور علامه اقتدار نظامی تنها زمانی می‌تواند ضمانت‌بخش استقلال باشد که در چارچوبی عقلانی، اخلاقی و مردمی به کار گرفته شود (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج. ۹، صص. ۱۴۹-۱۵۲).

۳-۲-۵. مقاومت دفاعی؛ معماری امنیت مستقل

از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای، اقتدار نظامی برای ملت‌هایی که در معرض تهدید قدرت‌های سلطه‌گر قرار دارند، ضرورتی حیاتی برای حفظ حاکمیت ملی و بازدارندگی در برابر زیاده‌خواهی هاست. وی قدرت نظامی را سدی محکم می‌داند که نه تنها از مرزهای جغرافیایی، بلکه از عزت و اراده ملت دفاع می‌کند. در این نگاه، پیشرفت در صنایع دفاعی و خوداتکایی نظامی، گامی اساسی برای شکستن وابستگی و تحقق استقلال تمام‌عیار است. این خودکفایی، با تکیه بر علم و ایمان مردمی، دشمن را در موضع ضعف قرار داده، او را به پذیرش حق حاکمیت ملت‌ها وادار می‌کند. تقویت توان دفاعی، افزون بر افزایش امنیت، به زبان گویای مقاومت تبدیل می‌شود که قدرت‌های زورگو را مجبور به احترام می‌کند (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۴۰۱/۰۷/۱۱؛ ۱۳۹۸/۱۱/۱۹). تجربه تاریخی نشان داده است که ملت‌های مستقل صرفاً با اقتدار نظامی متکی بر اراده ملی و پیشرفت علمی توانسته‌اند در برابر فشارهای خارجی ایستادگی کنند و تضمین امنیت حال و آینده استقلال را رقم بزنند. حکیمان مسلمان با تأکید بر جایگاه محوری قدرت دفاعی در حفظ استقلال، آن را نه به عنوان هدف، بلکه چونان ابزاری برای تحقق امنیت و حاکمیت ملی می‌دانند. این نگاه، ضمن پرهیز از نظامی‌گری افراطی، بر مشروعیت مردمی، خردورزی جمعی و خوداتکایی به عنوان شروط اساسی بهره‌گیری از این قدرت تأکید می‌ورزد. در این چارچوب، تقویت بنیه دفاعی با تکیه بر دانش بومی و ایمان مردمی، تنها راه شکستن زنجیرهای وابستگی و تضمین امنیت پایدار است.

۳-۵. اقتصاد بازدارنده

حکیمان مسلمان با نگاهی راهبردی، به اقتصاد به عنوان پایه اساسی استقلال ملی نگرسته‌اند. از دیدگاه ایشان، نظام اقتصادی زمانی مشروعیت دارد که بتواند استقلال کشور را تضمین کند. این اندیشمندان با تحلیل رابطه تنگاتنگ اقتصاد و استقلال، الگوی اقتصاد بازدارنده را چونان راهکاری برای مقابله با وابستگی‌های خارجی و تحقق خوداتکایی ملی نظریه‌پردازی کرده‌اند. ایشان با نقد اقتصاد وابسته، آن را مانعی اساسی در برابر استقلال واقعی می‌دانند و با ارائه سه‌گانه «تصمیم‌گیری مستقل، تولید داخلی و اقتصاد مقاومتی»، چارچوبی عملیاتی برای تحقق این استقلال اقتصادی ترسیم می‌کنند. بررسی حاضر نشان می‌دهد که از نگاه این متفکران، اقتصاد بازدارنده نه یک انتخاب، بلکه ضرورتی اجتناب‌ناپذیر برای حفظ حاکمیت ملی است.

۱-۳-۵. خوداتکایی اقتصادی: سنگ بنای استقلال ملی

اندیشمندان مسلمان بهره‌برداری خردمندانه از منابع و ذخایر اقتصادی کشور را سنگ بنای اساسی استقلال ملی به شمار می‌آورند؛ از این منظر تمامی منابع طبیعی و اقتصادی می‌بایست در مسیری به کار گرفته شوند که اولاً وابستگی‌های خارجی را به حداقل برسانند؛ ثانیاً زیرساخت‌های لازم برای خوداتکایی

ملی را فراهم آوردند (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج. ۵، صص. ۱۹۴-۱۹۶)؛ زیرا در این نگاه، اساس استقلال واقعی هر کشور درگرو اقتدار اقتصادی است و این اقتدار تنها از طریق استفاده صحیح از منابع، کار و تلاش جمعی به دست می‌آید. جامعه‌ای که به تولید داخلی خودبنیاد بها دهد، از وابستگی به درآمدهای گذرا، مانند نفت یا واردات بی‌نیاز می‌شود و پایه‌های اقتصادش را بر خودتکایی استوار می‌سازد (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۷/۰۲/۰۴). شهید مطهری وابستگی اقتصادی را نوعی بردگی مدرن می‌داند که ملت‌ها را به مصرف‌کنندگان تولیدات بیگانه تبدیل می‌کند. وی با اشاره به نمونه‌های عینی در پیش از انقلاب اسلامی، مانند وابستگی ایران در واردات گندم و محدودیت‌های تحمیلی بر کشاورزان، نشان می‌دهد که اقتصاد وابسته، قدرت تصمیم‌گیری را از ملت سلب می‌کند و آنها را در همه ابعاد حیات اقتصادی، تابع سیاست‌های بیگانگان قرار می‌دهد (مطهری، ۱۳۷۲، ج. ۲۴، صص. ۲۳۸-۲۳۹). این در حالی است که حکیمان مسلمان نیاز به دشمن را تلخ‌ترین تجربه‌ای معرفی می‌کنند که می‌تواند حیات یک ملت را تهدید کند؛ به همین دلیل تلاش می‌کنند با ایجاد تحوّل بنیادین در نگرش جامعه، وابستگی اقتصادی به بیگانگان را در ذائقه عمومی به مثابه سمّی مهلک و عملی ناپسند جلوه دهند (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج. ۱۰، صص. ۴۴۲-۴۴۳).

۳-۵. اقتدار اقتصادی: سه‌گانه استقلال، تولید و مقاومت

از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای، اقتدار اقتصادی به عنوان پایه اصلی استقلال کشور، از سه جهت اساسی قابل تبیین است:

۱. **ایجاد توان تصمیم‌گیری مستقل و حفظ حاکمیت ملی:** اقتصادی که بر توانمندی‌های داخلی و مقاومت در برابر فشارهای خارجی بنا شود، از هضم شدن در نظام ناعادلانه جهانی جلوگیری کرده، حاکمیت ملی را حفظ می‌کند. پیشرفت در فناوری‌های کلیدی مانند نانو و هسته‌ای، بهره‌برداری بهینه از منابع داخلی و کاهش وابستگی به سرمایه‌های خارجی، از نشانه‌های این اقتدار اقتصادی است که استقلال سیاسی را نیز تقویت می‌کند (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۵/۰۳/۱۴).
۲. **کاهش وابستگی و تقویت تولید داخلی:** اقتدار اقتصادی با ریشه‌کنی فقر، ایجاد اشتغال پایدار و توسعه تولید در بخش‌های صنعتی و کشاورزی حاصل می‌شود. این امر از طریق تقویت پول ملی، حضور مؤثر در بازارهای جهانی و بهره‌برداری بهینه از منابع داخلی، وابستگی خارجی را کاهش داده، شاخص‌های استقلال اقتصادی را تقویت می‌کند (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۰/۰۲/۲۸).
۳. **تبدیل تهدیدها به فرصت از طریق اقتصاد مقاومتی:** با تکیه بر اقتصاد مقاومتی، فشارها و تحریم‌های خارجی بی‌اثر شده و به فرصتی برای نمایش خودتکایی تبدیل می‌شوند؛ بدین ترتیب استقلال واقعی محقق شده و آسان‌سازی روابط اقتصادی با دیگر کشورها به مزیتی برای ملت تبدیل می‌گردد (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۵/۰۳/۰۶).

اقتصاد بازدارنده در اندیشه اسلامی، فراتر از مفاهیم مرسوم اقتصادی، به مثابه سپری برای صیانت از استقلال و عزت ملی تعریف می‌شود. این نگاه با تأکید بر سه‌گانه خوداتکایی، تولید داخلی و مقاومت فعال، الگویی بدیع از توسعه اقتصادی ارائه می‌دهد که نه تنها وابستگی‌ها را کاهش می‌دهد، بلکه تهدیدهای خارجی را به فرصتی برای نمایش توانمندی‌های ملی تبدیل می‌کند. بررسی حاضر نشان می‌دهد که تنها با تکیه بر این اصول می‌توان به اقتصادی دست یافت که هم ضامن اقتدار ملی باشد و هم زمینه‌ساز تمدن نوین اسلامی.

۶. سرمایه‌های مدیریتی

حکیمان سیاسی با تأکید بر نقش محوری مدیریت در تحقق استقلال، سرمایه‌های مدیریتی را چونان عوامل تعیین‌کننده در نظام حکمرانی اسلامی مورد توجه قرار داده‌اند. این اندیشمندان با درک پیچیدگی‌های عصر حاضر، سه رکن اساسی را برای مدیریت کارآمد در جهت استقلال دولت اسلامی شناسایی کرده‌اند: رهبری حکیمانه به عنوان محور تصمیم‌گیری‌های کلان، مشارکت مردمی به عنوان پشتوانه اجرایی برنامه‌ها و دیپلماسی امتی به عنوان ابزار تأمین منافع در عرصه بین‌المللی. این سه مؤلفه در منظومه فکری حکیمان مسلمان، نه به صورت مجزا، بلکه در تعامل ارگانیک با یکدیگر معنا می‌یابند. بررسی حاضر نشان می‌دهد که چگونه این مثلث مدیریتی می‌تواند با ایجاد هماهنگی بین سطوح مختلف حکمرانی، زمینه‌ساز تحقق استقلال همه‌جانبه دولت اسلامی گردد. در این چارچوب، حتی با وجود منابع مادی غنی، بدون مدیریت کارآمد و یکپارچه، دستیابی به استقلال واقعی ممکن نخواهد بود.

۶-۱. حکمرانی حکیمانه؛ اقتدار قدسی

در منظومه فکری حکیمان مسلمان، حکمرانی حکیمانه نه صرفاً یک سازوکار مدیریتی، بلکه تجلی عینی حاکمیت الهی در عرصه اجتماعی است؛ از این منظر استقلال واقعی هر جامعه درگرو استقرار نظام رهبری است که هم پایبند به اصول و حیاتی باشد و هم در قبال امت مسئولیت بپذیرد. حکیمان مسلمان با تحلیل دو ساحت وجودشناختی و کارکردی حکمرانی الهی، اثبات می‌کنند که چنین رهبری به دلیل اتکای به مشروعیت آسمانی و التزام به امانت‌داری الهی، ذاتاً مستقل از قدرت‌های مادی و بی‌نیاز از مرجعیت‌های غیر الهی است. این نگاه متعالی، حکمرانی را به مثابه پل ارتباطی بین حاکمیت الهی و استقلال دولت اسلامی تعریف می‌کند که هم در بعد نظری به بازسازی هویت تمدنی می‌پردازد و هم در عرصه عملی، پیش‌قراول مبارزه با وابستگی‌هاست.

۶-۱-۱. مبانی نظری حکمرانی حکیمانه در استقلال بخشی

از منظر فلسفه اسلامی، استقلال جامعه درگرو تمسک به آرمان‌های الهی است که رهبران، به عنوان

نمایندگان وحی و عقل جمعی، آن را هدایت می‌کنند. این ایده بر اساس نظریه امامت است که در آن، حاکم اسلامی با پاسداری از شریعت، جامعه را از وابستگی به نظام‌های غیر الهی رها می‌سازد (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۸/۰۳/۱۶). آیت‌الله جوادی آملی با استناد به کلام امیر مؤمنان (ع) در (نهج البلاغه، خطبه ۸۷)، رهبران الهی را ستون‌های استوار جامعه و منابع زلال معارف دینی می‌داند که با ویژگی‌هایی مانند تقوا، علم نافع و پیوند با وحی، از هرگونه تمایل به وابستگی به قدرت‌های خارجی مصون‌اند (جوادی آملی، ۱۳۸۷/الف، سروش هدایت، ج ۲، ص ۳۱۰). حکیمان مسلمان برای تبیین نقش رهبران الهی در تحقق استقلال دولت اسلامی، دو گونه استدلال محوری ارائه کرده‌اند:

الف) استدلال وجودشناختی: در این استدلال، تأکید می‌شود که رهبر الهی به دلیل اتصال به قدرت الهی، از هرگونه وابستگی به منابع مادی بی‌نیاز است. آیت‌الله جوادی آملی توضیح می‌دهد که مشروعیت رهبر الهی از منبعی فراتر از ساختارهای مادی نشئت می‌گیرد. او قدرت و مسئولیت خویش را امانتی الهی می‌پندارد و از هرگونه سازش با سلطه‌گران مبراست که این ویژگی، تضمین‌کننده استقلال جامعه است (جوادی آملی، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۵۶۸).

ب) استدلال کارکردی: در این استدلال، به کارکردهای عینی رهبری الهی در جامعه پرداخته می‌شود. حکیمان مسلمان بر این باورند که رهبر الهی با درک جایگاه امانت‌دارانه خود، فرایند حفظ استقلال جامعه را تضمین می‌کند. آیت‌الله جوادی آملی معتقد است که سه ویژگی رهبر الهی او را در این مسیر یاری می‌دهد: ۱. حس مسئولیت در برابر خداوند که مانع سستی در حفظ استقلال جامعه می‌شود؛ ۲. باور به امانت‌داران حقوق مردم که رهبر را از تبدیل قدرت به سلطه شخصی باز می‌دارد؛ ۳. تلاش برای ایجاد ساختارهایی که استقلال سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جامعه را تضمین کند (جوادی آملی، ۱۳۷۸، ج ۱۹، ص ۲۲۵-۲۲۶). این استدلال نشان می‌دهد که رهبری الهی صرفاً یک موقعیت سیاسی نیست؛ بلکه نظامی از مسئولیت‌های الهی است که خودبه‌خود کارکرد استقلال‌بخشی دارد. در این الگو، استقلال جامعه نه یک انتخاب سیاسی که نتیجه طبیعی التزام رهبر به اصول الهی حکمرانی است.

۲-۱-۶. کارکردهای عملی رهبری الهی در تحقق استقلال

حکیمان مسلمان با نگاهی جامع به مسئله استقلال، افزون بر تبیین نظری نقش رهبری الهی، به تشریح تکالیف عینی و مسئولیت‌های عملی رهبران در زمینه‌سازی برای تحقق استقلال پرداخته‌اند. این دیدگاه دو وظیفه محوری را برای رهبران ترسیم می‌کند:

الف) کارکرد معرفتی- تربیتی: از منظر شهید مطهری، رهبر الهی موظف است با بازسازی «روح اعتماد به نفس» در جامعه، ایمان مردم را به ارزش‌های اصیل فرهنگی و دینی تقویت کند. این کارکرد معرفتی، پایه‌ای اساسی برای مقاومت در برابر سلطه خارجی است؛ زیرا سلطه‌پذیری، اغلب در

خودباختگی فرهنگی و باور به ناتوانی ذاتی ریشه دارد. رهبر با احیای بیش توحیدی و تبیین ظرفیت‌های تمدنی اسلام، جامعه را از مرجع‌پذیری از بیگانه به خوداتکایی رهنمون می‌شود؛ به عبارت دیگر استقلال سیاسی بدون پشتوانه استقلال فکری ناممکن است و این همان نقشی است که رهبری الهی به عنوان معلم جامعه ایفا می‌کند (مطهری، ۱۳۷۲، ج. ۲۴، ص. ۲۱۷).

ب) کارکرد عملی - پیشگامی: از منظر آیت‌الله جوادی آملی، رهبر الهی نمی‌تواند تنها به دعوت نظری به مبارزه اکتفا کند؛ بلکه باید خود پیشاپیش مردم پرچم مبارزه برای استقلال را بر دوش گیرد (جوادی آملی، ۱۳۸۷/ب، ج. ۳، صص. ۱۶۳-۱۶۴). این پیشگامی عملی دو اثر مهم دارد: ۱. با نشان‌دادن هزینه‌پذیری و مقاومت، شبهه انفعال رهبری را زدوده و مردم را به عمل ترغیب می‌کند؛ ۲. الگویی عملی از حکمرانی جهادی ارائه می‌دهد که رهبر در صف مقدم، نه پشت جبهه قرار دارد؛ بدین ترتیب حکمت عملی اسلامی استقلال را فرایندی دو وجهی می‌بیند: تحول درونی از طریق تربیت دینی و مقاومت بیرونی با رهبری عملی. رهبر الهی در این رویکرد، هم مصلح فکری و هم سرباز میدان عمل است و این امر اساس کارآمدی الگوی اسلامی در مقابله با سلطه است (جوادی آملی، ۱۳۸۱، ج. ۶، ص. ۲۱). حکمرانی حکیمانه در اندیشه اسلامی، نظامی از مسئولیت‌های الهی است که ذاتاً استقلال‌بخش است. رهبر الهی با ترکیب علم نافع، تقوای عمیق و پیشگامی عملی، جامعه را از وابستگی فکری و سلطه خارجی رها می‌کند و ساختارهای لازم برای استقلال را فراهم می‌آورد. استقلال در این چارچوب، نه یک انتخاب سیاسی، بلکه پیامدی طبیعی از حکمرانی بر پایه اصول الهی است.

۲-۶. حکمرانی مشارکتی

حکیمان سیاسی مسلمان با نگاهی راهبردی، مشارکت مردمی در عرصه‌های حکمرانی را نه صرفاً یک سازوکار مدیریتی، بلکه به عنوان رکنی اساسی در تحقق استقلال دولت اسلامی تحلیل کرده‌اند. ایشان با گذر از نگاه‌های صرفاً حقوقی به مقوله مشارکت، آن را در ذیل «استقلال اراده ملی» و «مقاومت در برابر نظام سلطه» تعریف کرده‌اند. در اندیشه‌های این حکیمان، مشارکت فعال مردم به مثابه سرمایه اجتماعی مقاومت تلقی می‌شود که هم مشروعیت نظام را در برابر فشارهای خارجی تقویت می‌کند و هم با تبدیل تهدیدها به فرصت، ظرفیت‌های درونی جامعه را برای خوداتکایی بسیج می‌کند. این نگاه، مشارکت را از سطح ابزارهای صوری فراتر برده، آن را به عاملی تبدیل می‌کند که استقلال را از مفهومی انتزاعی به واقعیتی ملموس و پایدار بدل می‌سازد.

۱-۲-۶. مشارکت مردمی: سازوکار تحقق استقلال

دولت اسلامی به مثابه نظامی مردمی، با تکیه بر مشارکت فعال و همه‌جانبه شهروندان، پایه‌های استقلال خویش را استوار می‌سازد. این مشارکت، صرفاً به حضور صوری محدود نمی‌شود؛ بلکه در قالب

سازوکارهای نهادی، قانونی و اجتماعی، بستری برای تأثیرگذاری واقعی مردم در فرایند حکمرانی فراهم می‌آورد. از رهگذر این تعامل دوسویه، دولت اسلامی نه تنها مشروعیت خود را از اراده عمومی کسب می‌کند، بلکه با تقویت سرمایه‌های اجتماعی و سیاسی، توان مقابله با فشارهای نظام بین‌الملل را نیز می‌یابد. در واقع استقلال حقیقی آن‌گاه محقق می‌شود که تمامی اقشار جامعه، با احساس تعلق و مسئولیت، در عرصه‌های تصمیم‌سازی، نظارت و اجرا حاضر باشند. این الگوی حکومت‌داری که برآمده از آموزه‌های اسلامی و ضرورت‌های جهان معاصر است، نشان می‌دهد که استقلال یک ملت، محصول انفعال نیست؛ بلکه ثمره بیداری، اتحاد و مشارکت هوشمندانه مردم در سرنوشت خویش است (جوادی آملی، ۱۳۸۸/الف، ص. ۲۳۴).

۲-۶. استقلال به مثابه امانت الهی

در اندیشه حکیمان مسلمان، استقلال دولت اسلامی نه تنها یک دستاورد سیاسی-اجتماعی، بلکه امانتی الهی است که خداوند به جامعه اسلامی عطا کرده است. این امر، مبتنی بر ارتباط میان اراده تشریحی خداوند و مجاهدت مردم و رهبران برای تحقق استقلال است. در این نگرش، استقلال جلوه‌ای از عنایت الهی محسوب شده و حفظ آن تکلیفی همگانی به شمار می‌آید؛ به همین دلیل پاسداری از این موهبت الهی مستلزم مسئولیت‌پذیری عمومی و حراست از آن در برابر تهدیدهای داخلی و خارجی است. در این منظومه فکری، استقلال فقط با توکل به خدا و تلاش جمعی ممکن است و سستی در حفظ آن خیانت به این امانت الهی تلقی می‌شود (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج. ۱۵، ص. ۳۴۷). هم آموزه‌های دینی و هم تجربه‌های تاریخی جوامع اسلامی گواه آن است که حفظ استقلال و عزت، تکلیفی الهی و تاریخی است. قرآن و سنت پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) همواره بر مقاومت در برابر ظلم و عدم تسلیم تأکید کرده‌اند؛ برای مثال در جنگ بدر، نصرت الهی به دلیل ایمان و استقامت مؤمنان رقم خورد. آیاتی مانند «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (نساء، ۱۴۱) نشانگر وظیفه جمعی برای حفظ حاکمیت است؛ همچنین تاریخ از سقوط اندلس تا اشغال عراق و افغانستان، ثابت کرده که هرگونه ضعف در صیانت از استقلال، به ازدست‌رفتن عزت و امنیت منجر شده است؛ بنابراین همان‌طور که مقاومت گذشته در برابر استکبار جهانی به پیروزی‌های بزرگ انجامید، امروز نیز با اتحاد و پایداری می‌توان از تکرار فجایع تاریخی جلوگیری کرد و عزت اسلامی را حفظ کرد. این دو بال دین و تاریخ، به روشنی اثبات می‌کنند که استقلال، موهبتی الهی است که حفظ آن، نیازمند جهاد دایمی همه اقوام و اقشار امت اسلامی است (مصباح یزدی، ۱۳۸۸/د، ص. ۱۹۲).

۳-۲-۶. نیروی انسانی متعهد: محور استقلال

از دیدگاه شهید مطهری، نیروی انسانی متعهد و آگاه، مهم‌ترین سرمایه یک جامعه برای تحقق و حفظ

استقلال است. در صدر اسلام، پیامبر (ص) و یارانش با وجود کمبود امکانات مادی، تنها با تکیه بر همبستگی اجتماعی، ایمان راسخ و روحیه جهادی توانستند در برابر قدرت‌های متجاوز و مانند قریش و روم ایستادگی کنند. نمونه بارز این موضوع، پیروزی در جنگ بدر بود که در آن، جمعیت محدود مسلمانان با ایمان و اتحاد، بر سپاه مجهز قریش غلبه یافت؛ همچنین پس از رحلت پیامبر (ص) مقاومت جوامع اسلامی در برابر تهاجمات خارجی مانند جنگ‌های قادسیه و نهاوند نشان داد که حتی در سخت‌ترین شرایط، اراده جمعی و مشارکت مردمی می‌تواند از استقلال یک تمدن دفاع کند. تاریخ صدر اسلام ثابت می‌کند که استقلال واقعی نه با سلاح و ثروت، بلکه با مردم بیدار، متعهد و فداکار حفظ می‌شود؛ بنابراین نیروی انسانی نه تنها ابزار، بلکه روح حاکم بر استقلال یک کشور است (مطهری، ۱۳۷۲، ج. ۲۲، ص. ۳۰۱).

۴-۲-۶. الگوی حکمرانی مشارکتی و نسبت آن با استقلال

مشارکت فعال و همه‌جانبه مردم در ساختارهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، اساسی‌ترین عنصر در تحقق استقلال حقیقی جامعه است. در سطح نخست، این مشارکت با افزایش سرمایه اجتماعی و مشروعیت‌بخشی به نظام حکمرانی، مقاومت در برابر فشارهای خارجی را تقویت می‌کند. هرچه حضور مردم در تصمیم‌گیری‌ها گسترده‌تر باشد، هژمونی بیگانگان بر سرنوشت جامعه با مانعی جدی مواجه می‌شود. در سطح دوم، هم‌افزایی ظرفیت‌های مردمی در تولید دانش، ثروت و قدرت، چرخه توسعه را به درون جامعه منتقل می‌کند و وابستگی به نظام سلطه را کاهش می‌دهد. این فرایند با تبدیل مردم از عنصری منفعل به فاعلی آگاه و با ایجاد شبکه‌های درون‌زا و خوداتکا، استقلال را از یک مفهوم انتزاعی به واقعیتی ملموس و پایدار تبدیل می‌کند؛ بنابراین مشارکت مردمی هم به عنوان سپر دفاعی در برابر استیلا خارجی و هم موتور محرکه توسعه درون‌زا نقش آفرینی می‌کند (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۸/۰۹/۲۲؛ ۱۳۸۷/۰۲/۱۵)؛ در نتیجه استقلال حقیقی تنها با مشارکت هوشمندانه و مسئولیت‌پذیری عمومی ممکن است. تجربه تاریخی جوامع اسلامی نشان داده است که هر بی‌توجهی به حفظ استقلال، عزت و امنیت را از میان می‌برد؛ بنابراین حکمرانی مشارکتی، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر برای تداوم حیات تمدنی امت اسلامی است.

۳-۶. دیپلماسی امتی؛ استقلال شبکه‌ای

حکمت سیاسی معاصر با ارائه خوانشی فراملی از استقلال، مرزهای مفهومی آن را به جغرافیای دولت-ملت‌های امروزین محدود نکرده است. حکیمان مسلمان با الهام از آموزه‌های امت‌محور اسلامی، دیپلماسی امتی را چونان سازوکاری کلان برای تحقق استقلال شبکه‌ای دولت اسلامی تبیین کرده‌اند. در این چارچوب، استقلال واقعی زمانی محقق می‌شود که دولت اسلامی بتواند ضمن حفظ حاکمیت ملی،

با ایجاد پیوندهای راهبردی با دیگر اجزای امت اسلامی، قدرت چانه‌زنی جمعی در برابر نظام هژمونیک را تقویت کند. این نگاه که در آثار حکیمان معاصر همچون امام خمینی (ره) و آیت‌الله خامنه‌ای آشکارا قابل‌ردیابی است، استقلال را نه در انزوا، بلکه در هم‌افزایی تمدنی و مقاومت هوشمندانه امت اسلامی تعریف می‌کند.

۱-۳-۶. دیپلماسی امتی به‌مثابه سرمایه‌هوشمند استقلال

حکیمان مسلمان یکی از سرمایه‌های هوشمند برای حفظ استقلال و پیشرفت دولت اسلامی را «دیپلماسی امتی» می‌دانند؛ دیپلماسی‌ای که بر پایه اشتراکات اعتقادی و تاریخی امت اسلامی و فراتر از روابط متعارف سیاسی عمل می‌کند. این الگو با اتصال شبکه‌ای دغدغه‌ها و اولویت‌های دولت اسلامی به امت اسلامی، زمینه بهره‌برداری از ظرفیت‌های امت را برای تضمین استقلال فراهم می‌سازد. همگرایی کشورهای مسلمان در این چارچوب، قدرت چانه‌زنی آنها را در عرصه جهانی افزایش داده، استقلال دولت اسلامی را تقویت می‌کند. اتحاد اسلامی از نظر حکیمان، ضرورتی راهبردی برای مقابله با تهدیدات مشترک و تحقق خوداتکایی است؛ نه صرفاً آرمانی احساسی. تجربه تاریخی نشان داده است تفرقه میان مسلمانان همواره به سود استعمارگران بوده است؛ درحالی‌که هرگاه امت اسلامی یکپارچه شده، توانسته است در برابر زورگویی‌ها بایستد. امام خمینی همواره هم‌افزایی کشورهای اسلامی را عامل مقابله با استکبار جهانی و تضمین استقلال جوامع اسلامی می‌دانست. وی در پیام خود به معمر قذافی نوشت: «وحدت کلمه یک ملت شجاع با اعتماد به اسلام، استعمارگران را شکست داده است» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۷، ص ۱۷۰). پراکندگی مسلمانان از نظر امام، عامل وابستگی سیاسی - نظامی به بلوک‌های جهانی است و وحدت می‌تواند با ایجاد هژمونی مقاومت، فضای تصمیم‌گیری مستقل را برای کشورهای اسلامی به ارمغان آورد. این دیدگاه امروز در نظریه جهانی شدن مقاومت تجلی یافته است.

۲-۳-۶. وحدت اسلامی به‌مثابه سپر دفاعی در برابر نظام سلطه

آیت‌الله خامنه‌ای با توسعه نظریه امام، اتحاد را سرمایه‌ای ژئوپلیتیک برای تضمین استقلال کشورهای اسلامی می‌داند. به اعتقاد وی، دیپلماسی وحدت‌محور باید به عنوان سپر دفاعی در برابر جنگ ترکیبی دشمن عمل کند. وی با ترسیم مدل همگرایی در عین تکثر، تأکید می‌کند که استقلال کشورهای اسلامی در گرو ایجاد شبکه‌ای از روابط راهبردی بر محور مشترکات است؛ نه انزوای ملی‌گرایانه (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۹/۱۱/۱۷). این دیدگاه با نگاه تمدنی فیلسوفان سیاسی مسلمان به روابط امت اسلامی همسو است. علامه طباطبایی در تفسیر آیه «واعتصموا بحبل الله جميعاً» (آل عمران، ۱۰۳)، تفرقه مسلمانان را عامل از خودبیگانگی تمدنی و وابستگی به قدرت‌های خارجی می‌داند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۳، صص ۵۷۲-۵۷۷). بر اساس مبنای علامه، دیپلماسی وحدت‌محور می‌تواند با احیای

خودآگاهی تمدنی، زیرساخت‌های فکری لازم برای استقلال سیاسی-فرهنگی را فراهم سازد؛ زیرا استقلال واقعی زمانی محقق می‌شود که امت اسلامی به درک مشترکی از هویت تمدنی خویش دست یابد.

۳-۶. دیپلماسی سه‌بعدی: راهبرد عملیاتی تحقق استقلال

شهید مطهری با تحلیل اختلافات مسلمانان تأکید می‌کند که مسلمانان افزون بر اختلافات عقیدتی، دچار سوءتفاهم‌ها و توهم‌های نادرست دربارهٔ یکدیگر شده‌اند. وی معتقد است تنها راه جبران این ضربهٔ تاریخی، بازگشت به وحدت بر پایهٔ اصول مشترک اسلامی است (مطهری، ۱۳۷۲، ج. ۲۵، ص. ۳۸). او نشان می‌دهد که استعمار با ترویج تاریخ‌نگاری فرقه‌ای، وابستگی فکری و سیاسی مسلمانان را گسترش داده است (همان، ج. ۲۴، صص. ۲۲۰-۲۲۱)؛ از این منظر دیپلماسی وحدت‌محور باید با بازنگری در روایت‌های تاریخی همراه شود تا استقلال فکری مسلمانان بازسازی شود؛ زیرا استقلال سیاسی بدون استقلال روایت تاریخی امکان‌پذیر نیست. با توجه به آنچه گفته شد، از منظر فیلسوفان سیاسی معاصر، دیپلماسی فعال با محوریت وحدت اسلامی نه تنها یک راهبرد سیاسی، بلکه یک ضرورت دینی و عقلانی است که می‌تواند با تقویت همبستگی میان کشورهای اسلامی، استقلال همه‌جانبهٔ دولت اسلامی را در عرصه‌های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی تضمین کند. همه این دیدگاه‌های مطرح‌شده به‌رغم تنوع روش‌شناختی، بر یک اصل کلیدی تأکید دارند: وحدت اسلامی به عنوان سرمایهٔ هوشمند می‌تواند با ایجاد قدرت جمعی، معادلات سلطه را برهم زند و فضای لازم برای استقلال واقعی را فراهم آورد. این امر مستلزم به‌کارگیری دیپلماسی فعال در سه سطح است:

الف) دیپلماسی فکری (بازسازی روایت مشترک)؛

ب) دیپلماسی سیاسی (ایجاد نهادهای همگرا)؛

ج) دیپلماسی اقتصادی (تقویت همکاری‌های راهبردی).

این الگو در شرایط کنونی جهان، کارآمدترین راهبرد برای تحقق استقلال واقعی دولت اسلامی به شمار می‌رود. به‌گواه تجربه‌های تاریخی، تنها در پرتو اتحاد است که امت اسلامی می‌تواند در برابر توطئه‌های دشمنان ایستادگی کند و به عزت و سربلندی دست یابد.

۷. نتیجه‌گیری

این پژوهش با بررسی آرای حکیمان سیاسی معاصر، الگویی جامع برای تحقق استقلال دولت اسلامی در مقابله با نظام هژمونیک جهانی ارائه می‌دهد. یافته‌ها نشان می‌دهند که سرمایه‌های مادی در سه محور کلیدی نقش دارند: علم خودبنیاد به عنوان پایهٔ استقلال فکری و فناوری، قدرت دفاعی امنیت‌آفرین برای بازدارندگی تهدیدهای خارجی و اقتصاد مقاومتی، به‌مثابه بنیان خودتکایی ملی. این سه رکن،

زیرساخت‌های عینی استقلال را شکل داده، امکان مقاومت را در برابر فشارهای سلطه فراهم می‌کنند. در حوزه سرمایه‌های مدیریتی، پژوهش به اهمیت حکمرانی حکیمانه (ترکیب مشروعیت الهی و خرد جمعی)، مشارکت مردمی (محور مشروعیت و نیروی محرکه استقلال) و دیپلماسی امتی (ایجاد همگرایی در جهان اسلام برای افزایش قدرت چانه‌زنی) اشاره دارد. این سرمایه‌های مدیریتی، نه تنها بهره‌برداری بهینه از منابع مادی را ممکن می‌سازند؛ بلکه از وابستگی به نظام سلطه جلوگیری می‌کنند. دستاورد این پژوهش، تبیین رابطه دیالکتیکی میان سرمایه‌های مادی و مدیریتی است. استقلال واقعی زمانی تحقق می‌یابد که خوداتکایی عینی با حکمرانی خردمندانه همراه شود؛ زیرا منابع مادی بدون مدیریت اسلامی، به ابزار سلطه تبدیل می‌شوند و مدیریت کارآمد بدون پشتیبانی مادی، مقاومتی پایدار ندارد. این چارچوب نظری، در حکمت سیاسی اسلام ریشه دارد و می‌تواند مبنایی برای سیاست‌گذاری‌های کلان در مقابله با چالش‌هایی نظیر تحریم‌های هوشمند و جنگ‌های ترکیبی باشد. تأکید پژوهش بر پیوند علم خودبنیاد با دیپلماسی امتی، راهبردی کلیدی برای تبدیل دولت اسلامی به کنشگری تأثیرگذار در نظم جهانی است و راه را برای پژوهش‌های جدی‌تر در زمینه توسعه بومی و امنیت ملی هموار می‌سازد.



منابع

قرآن کریم.

- ابن منظور، م. (۱۴۱۴ق). *لسان العرب*. (ج. ۱۱). بیروت: دار صادر.
- جوادی آملی، ع. (۱۳۷۸). *تسنیم: تفسیر قرآن کریم*. (ج. ۱۹ و ۱). ع. اسلامی (تنظیم و ویرایش). قم: مرکز نشر اسراء.
- جوادی آملی، ع. (۱۳۸۷/الف). *سروش هدايت*. (ج. ۲). س. م. صادقی (محقق). قم: مرکز نشر اسراء.
- جوادی آملی، ع. (۱۳۸۵). *سروش هدايت*. (ج. ۲). س. م. صادقی (محقق). قم: مرکز نشر اسراء.
- جوادی آملی، ع. (۱۳۸۷/ب). *انتظار بشر از دین*. (ج. ۳). س. بندعلی (ویراستار)؛ م. ر. مصطفی پور (محقق). قم: مرکز نشر اسراء.
- جوادی آملی، ع. (۱۳۸۱). *ادب فنای مهربان: شرح زیارت جامعه کبیره*. (ج. ۶). م. صفایی، ق. ع. صمدی (محقق). قم: مرکز نشر اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۳). *تفسیر موضوعی قرآن مجید: توحید در قرآن*. (ج. ۲). قم: مرکز نشر اسراء.
- جوادی آملی، ع. (۱۳۸۸/الف). *اسلام و محیط زیست*. ع. ر. محقق (محقق). قم: مرکز نشر اسراء.
- خسروپناه، ع. (۱۳۸۸). *چستی حکمت در قرآن، روایت و فلسفه*. مشکوه. شماره ۱۰۳، صص. ۱۲-۳۶.
- صدر، م. ب. (۱۳۶۳). *سنت‌های تاریخ در قرآن (تفسیر موضوعی)*. ج. موسوی اصفهانی (مترجم). قم: اسلامی.
- طباطبایی، م. ح. (۱۳۸۸). *بررسی‌های اسلامی*. (ج. ۱). ه. خسروشاهی (مصحح). قم: بوستان کتاب.
- طریحی، ف. (۱۳۷۵). *مجمع البحرین*. (ج. ۵). ا. حسینی (محقق). تهران: مرتضوی.
- مصباح یزدی، م. ت. (۱۳۹۰). *مشکات: نظریه سیاسی اسلام*. (ج. ۱). ک. سبحانی (نگارش). قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مصباح یزدی، م. ت. (۱۳۸۸/د). *مشکات: نظریه حقوقی اسلام*. م. م. کریمی نیا و م. م. نادری قمی (نگارش). قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مصباح یزدی، م. ت. (۱۳۸۸/الف). *مشکات: اخلاق در قرآن*. (ج. ۳). م. ح. اسکندری (تحقیق و نگارش). قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مصباح یزدی، م. ت. (۱۳۸۸/ح). *مشکات: پیش‌نیازهای مدیریت اسلامی*. غ. ر. متقی فر (تحقیق و نگارش). قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- خامنه‌ای، س. ع. (۱۳۸۷/۰۲/۰۴). *بیانات در دیدار کارگران و کارآفرینان*. قابل دسترس در:
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3425>
- خامنه‌ای، س. ع. (۱۳۹۵/۰۳/۰۶). *بیانات در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری*. قابل دسترس در:
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=33198>
- خامنه‌ای، س. ع. (۱۴۰۱/۰۷/۱۱). *بیانات در مراسم مشترک دانش‌آموختگی دانشجویان دانشگاه‌های افسری نیروهای مسلح*. قابل دسترس در:
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=51048>
- خامنه‌ای، س. ع. (۱۳۹۵/۰۳/۱۴). *بیانات در مراسم بیست و هفتمین سالگرد رحلت امام خمینی*. قابل دسترس در:
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=33259>

- خامنه‌ای، س.ع. (۱۳۸۹/۰۷/۱۴). *بیانات در دیدار نخبگان جوان*. قابل دسترس در:
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=10233>
- خامنه‌ای، س.ع. (۱۳۹۸/۱۱/۱۹). *بیانات در دیدار فرماندهان و کارکنان نیروی هوایی ارتش*. قابل دسترس در:
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=44852>
- خامنه‌ای، س.ع. (۱۳۸۶/۰۲/۲۵). *بیانات در دیدار دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد*. قابل دسترس در:
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3383>
- خامنه‌ای، س.ع. (۱۳۸۰/۰۲/۲۸). *بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران*. قابل دسترس در:
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3066>
- خامنه‌ای، س.ع. (۱۳۸۴/۱۰/۲۹). *بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه امام صادق (ع)*. قابل دسترس در:
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3328>
- خامنه‌ای، س.ع. (۱۳۶۸/۰۳/۱۶). *بیانات در دیدار نخست‌وزیر و اعضای هیئت دولت*. قابل دسترس در:
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2077>
- خامنه‌ای، س.ع. (۱۳۶۸/۰۹/۲۲). *بیانات در دیدار اقسشار مختلف مردم*. قابل دسترس در:
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2232>
- خامنه‌ای، س.ع. (۱۳۷۱/۰۷/۱۸). *بیانات در بازدید از پایگاه هوایی شهید بابایی اصفهان*. قابل دسترس در:
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2639>
- خامنه‌ای، س.ع. (۱۳۷۹/۰۷/۱۴). *بیانات در اجتماع بزرگ مردم قم*. قابل دسترس در:
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3028>
- خامنه‌ای، س.ع. (۱۳۸۷/۰۲/۱۵). *بیانات در دیدار مردم و عشایر شهرستان نورآباد ممسنی*. قابل دسترس در:
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3433>
- خامنه‌ای، س.ع. (۱۳۹۳/۰۴/۱۶). *بیانات در دیدار مسئولان نظام*. قابل دسترس در:
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=26908>
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۲). *مجموعه آثار*. (ج. ۲، ۲۲، ۲۴-۲۵). تهران: صدرا.
- طباطبایی، م.ح. (۱۳۷۴). *ترجمه تفسیر المیزان*. (ج. ۹، ۳). قم: انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- خمینی، ر.ا. (۱۳۷۸). *صحیفه امام*. (ج. ۳، ۵، ۷، ۹-۱۰، ۱۲-۱۳ و ۱۵). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

References

The Noble Quran.

- Ibn Manzūr, M. (1994). *Lisān al-‘Arab* (Vol. 11). Beirut: Dār Ṣādir. [In Arabic]
- Javadi Amoli, A. (1999). *Tasnīm: Tafṣīr-i Qur’ān-i Karīm* (Vols. 1 & 19) (A. Eslami, Ed.). Qom: Esra Publication Center. [In Persian]
- Javadi Amoli, A. (2002). *Ādāb-i fanā-yi muqarrabān: Sharḥ-i ziyārat-i jāmi‘a-yi kabīra* (Vol. 6) (M. Safaei & Q. A. Samadi, Eds.). Qom: Esra Publication Center. [In Persian]
- Javadi Amoli, A. (2004). *Tafṣīr-i mawḏū‘ī-yi Qur’ān-i majīd: Tawḥīd dar Qur’ān* (Vol. 2). Qom: Esra Publication Center. [In Persian]

- Javadi Amoli, A. (2006). *Sūrūsh-i Hidāyat* (Vol. 2) (S. M. Sadeghi, Ed.). Qom: Esra Publication Center. [In Persian]
- Javadi Amoli, A. (2008a). *Surūsh-i hidāyat* (Vol. 2) (S. M. Sadeghi, Ed.). Qom: Esra Publication Center. [In Persian]
- Javadi Amoli, A. (2008b). *Intizār-i bashar az dīn* (Vol. 3) (S. Badali & M. R. Mostafapour, Eds.). Qom: Esra Publication Center. [In Persian]
- Javadi Amoli, A. (2009a). *Islām va muḥīt-i zīst* ('A. R. Muḥaqqiq, Researcher). Qom: Esra Publication Center. [In Persian]
- Khamenei, S. A. (2020, February 9). *Remarks in meeting with commanders and personnel of the Air Force*. URL= <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=44852> [In Persian]
- Khamenei, S. A. (1989, December 13). *Remarks in meeting with various strata of people*. URL= <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2232> [In Persian]
- Khamenei, S. A. (1989, June 6). *Remarks in meeting with the prime minister and cabinet members*. URL= <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2077> [In Persian]
- Khamenei, S. A. (1992, September 8). *Remarks during visit to Shahid Babaei Air Base in Isfahan*. URL= <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2639> [In Persian]
- Khamenei, S. A. (2000, October 5). *Remarks in large gathering of the people of Qom*. URL= <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3028> [In Persian]
- Khamenei, S. A. (2001, May 18). *Remarks in the Friday prayer sermons in Tehran*. URL= <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3066> [In Persian]
- Khamenei, S. A. (2006, January 19). *Remarks in meeting with professors and students of Imam Sadiq University*. URL= <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3328> [In Persian]
- Khamenei, S. A. (2007, May 15). *Remarks in meeting with students of Ferdowsi University of Mashhad*. URL= <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3383> [In Persian]
- Khamenei, S. A. (2008, April 23). *Remarks in meeting with workers and entrepreneurs*. URL= <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3425> [In Persian]
- Khamenei, S. A. (2008, May 5). *Remarks in meeting with the people and tribes of Nurabad Mamasani*. URL= <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3433> [In Persian]
- Khamenei, S. A. (2010, October 6). *Remarks in meeting with young elites*. URL= <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=10233> [In Persian]
- Khamenei, S. A. (2014, July 7). *Remarks in meeting with officials of the system*. URL= <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=26908> [In Persian]
- Khamenei, S. A. (2016, June 4). *Remarks at the 27th anniversary ceremony of the passing of Imam Khomeini*. URL= <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=33259> [In Persian]
- Khamenei, S. A. (2016, May 26). *Remarks in meeting with the president and members of the Assembly of Experts*. URL= <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=33198> [In Persian]
- Khamenei, S. A. (2022, October 3). *Remarks at the joint graduation ceremony of students from armed forces officers' universities*. URL= <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=51048> [In Persian]

- Khomeini, R. A. (1999). *Ṣaḥīfih-yi Imām* (Vols. 3, 5, 7, 9–10, 12–13, & 15). Tehran: Institute for the Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works. [In Persian]
- Khosropanah, A. (2009). Chīstī-yi ḥikmat dar Qur'ān, rivāyat va falsafih [The essence of wisdom in the Quran, hadith, and philosophy]. *Mishkāt*, no.103, pp.12–36. [In Persian]
- Mesbah Yazdi, M. T. (2009a). *Mishkāt: Akhlāq dar Qur'ān* (Vol. 3) (M. H. Eskandari, Ed.). Qom: Imam Khomeini Education and Research Institute. [In Persian]
- Mesbah Yazdi, M. T. (2009c). *Mishkāt: Pīshniyāz-hāyi mudīriyyat-i Islāmī* (Gh. R. Mottaghifar, Ed.). Qom: Imam Khomeini Education and Research Institute. [In Persian]
- Mesbah Yazdi, M. T. (2009d). *Mishkāt: Nazariyyih-yi ḥuqūqī-yi Islām* (M. M. Kariminia & M. M. Naderi Ghomi, Eds.). Qom: Imam Khomeini Education and Research Institute. [In Persian]
- Mesbah Yazdi, M. T. (2011). *Mishkāt: Nazariyyih-yi siyāsī-yi Islām* (Vol. 1) (K. Sobhani, Ed.). Qom: Imam Khomeini Education and Research Institute. [In Persian]
- Motahari, M. (1993). *Majmū'ih-yi āthār* (Vols. 2, 22, & 24–25). Tehran: Sadra. [In Persian]
- Sadr, M. B. (1984). *Sunnat-hāyi tārikh dar Qur'ān (tafsīr-i mawḍū'ī)* [Historical patterns in the Quran (thematic exegesis)] (J. Mousavi Isfahani, Trans.). Qom: Islāmī. [In Persian]
- Ṭabāṭabā'ī, M. Ḥ. (1995). *Tarjumih-yi tafsīr al-Mīzān* (Vols. 3 & 9; M. B. Mousavi Hamedani, Trans.). Qom: Publications of the Society of Seminary Teachers of Qom. [In Persian]
- Ṭabāṭabā'ī, M. Ḥ. (2009). *Barrasi-hāyi Islāmī* (Vol. 1) (H. Khosroshahi, Ed.). Qom: Būstān-i Kitāb. [In Persian]
- Turayhī, F. (1996). *Majma' al-baḥrayn* (Vol. 5) (A. Ḥusaynī, Ed.). Tehran: Murtaẓavī. [In Arabic]

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رتال جامع علوم انسانی